

<p>شرح به معنای گسترش مخصوص در موضوعی است. در مقابل قبض است. شرح صدر ؛ یعنی ایجاد گشایش در صدر (سینه) و رفع انقباض از آن ، تا برای پذیرش نور و ایمان ، آماده شود . بنابراین انشراح ، فقط تحقق استعداد و اقتضا است .</p>	<p>هو بسط مخصوص فی موضوع، و یقابله القبض.</p>	<p>شرح (نشرح)</p>
<p>چیزی است که در مقابل ورود است؛ زیرا در ورود، جنبه صیوروت و داخل شدن به محیط معین مورد نظر است، و صدور، به معنای صیوروت و خارج شدن از محیط معین است.</p>	<p>هو ما یقابل الورد. فالنظر فی الورد الی جهه الصیوروة الی محیط، كما أنّ الصدور ناظر الی جهه صیوروة الی خارج محیط معین.</p>	<p>صدر</p>
<p>قرار دادن چیزی در محلی است. پس مفاهیم انخفاض (فرو افتادن) و انحطاط (ریخته شدن) و سقوط و خشوع (خضوع شدید) و خسران و ترک و افتراء (تهمت) و ... : بر حسب اختلاف موارد کاربرد و اقتضای آنها ، از آثار و لوازم اصل هستند.</p>	<p>هو جعل شیء فی محل. فمفاهیم الانخفاض و الانحطاط و السقوط و الخشوع و الخسران و الترك و الافتراء و غیرها: إنّما هی من لوازم الأصل و آثاره باختلاف موارد الاستعمال و اقتضائها.</p>	<p>وضع (وضعنا)</p>
<p>به سنگینی چیزی که بر محل یا چیز دیگری حمل شده، گویند. و از مصادیق آن : (وَزَرَ) ؛ کوه کوچکی است که بر زمین حمل می شود ، و وزر (گناه) بر گردن انسان و ... است.</p>	<p>إنّ الوزر صفة و یدلّ علی ثقله فی شیء محموله علی شیء أو محلّ.</p>	<p>وزر</p>
<p>نقض به شکستن و باز کردن چیزی که محکم شده باشد گویند. و از مصادیق آن: بازکردن ریسمان محکم تابیده شده، و خراب کردن ساختمان محکم ، و شکستن عهد و عقد لازم و ... است.</p>	<p>هو نکث ما احکم و حلّه. و من مصاديقه: نقض الحبل المبرم المفتول. و نقض البناء المحکم. و نکث العهد و العقد اللّازم...</p>	<p>نقض (أنقض)</p>
<p>به آشکار بودن واضح و قهری چیزی گویند. عضو بدن در انسان و حیوان است که در جهت مقابل بطن است. در پشت، قوت و تحمل و صلابت و شدت به نسبت بطن وجود دارد.</p>	<p>هو مطلق بدو فی قبال البطن، بأی کیفیت کان. و فی الحيوان و الإنسان بلحاظ البدن: الجهة الّتی تقابل البطن، و فی الإنسان أيضا قریب من هذا، فإنّ فی ظهره من القوّة و التحمّل و الصلابة و الشدّة ما</p>	<p>ظهر^۱</p>

^۱ قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۷۵ : (به فتح ظ) پشت. معنی اصلی کلمه بنا بر قول راغب همین است و معانی دیگر به اعتبار آن است.

	لیس فی جهة البطن.	
رفع (رفعا)	هو ما يقابل الخفض.	چیزی را در بلندا قرار دادن است.
ذکر	هو التذکر فی قبال الغفلة و النسيان، و هذا المعنى أعمّ من التذکر بالقلب أو باللسان.	به یادآوری در مقابل فراموشی یا غفلت گویند. این معنی می تواند اعم از تذکر به قلب یا به زبان باشد.
عسر	هو ما يقابل اليسر أى شدة فى صعوبة و مضيقه.	آن چیزی است که در مقابل یسر است ؛ یعنی شدت در صعوبت (دشواری) و مضيقه (تنگی) ؛ خواه مادی باشد یا معنوی.
يسر	هو سهولة فى سعة، و يقابلها العسر.	سهولت در گشایش ، و در مقابل عسر است.
فرغ(فرغت)	هو التخلّى عن اشتغال، و الخلاء أعمّ من أن يكون خاليا فى نفسه أو خاليا بعد الشغل.	خالی شدن از اشتغال است ؛ و فرقی نمی کند که این خالی بودن ذاتی باشد ، یا پس از مشغولیت واقع شود.
نصب (انصب)	هو تثبيت شىء فى محلّ بالاقامة و الرفع الظاهر. و أمّا نصب الخليفة الحقّ و الوليّ للأمر: فهو من مصاديق هذا النصب.	ثابت کردن چیزی در محلی به وسیله بالا بردن آشکار آن است. نصب خلیفه (جانشین) حق و ولی امر از مصادیق این نصب است .
ربب(رب)	سوق شىء الى جهة الكمال و رفع النقائص بالتخليّة و التحليّة .	راندن چیزی به سوی کمال و برطرف کردن نقایص آن ، به وسیله تخلیه و تحلیه است.
رغب(ارغب)	هو الميل الأكيد. فظهر أنّ الميل و الرغبة و الشوق تختلف من جهة الشدة و الضعف، و يجمعها التمايل و هو عامّ فى المكروه و الممدوح و فيما يرى و ما لا يرى.	به میل شدید گویند. اختلاف میل و رغبت و شوق از جهت شدت و ضعف است ، و وجه اشتراکشان ، تمایل است که هم چیزهای پسندیده و چیزهای ناپسند و هم چیزهای دیدنی و نادیدنی را شامل می شود .